

## تحلیل جامعه‌شناختی تغییر کیش (با تأکید بر تغییر کیش از مسیحیت به اسلام)

الله‌کرم کرمی‌پور\*

### چکیده

تحقیق حاضر، به تحلیل جامعه‌شناختی تغییر کیش، با تأکید بر تغییر کیش از مسیحیت به اسلام پرداخته است. تحقیق ناظر به اینکه چه عوامل و زمینه‌هایی باعث تغییر کیش از مسیحیت به اسلام شده است؛ در بخش نظری تحقیق، به رویکردهای روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی پرداختیم. در بخش عملی کار و نیز یافتن یک چارچوب مفهومی مناسب، یک پارادایم فرایندی هفت مرحله‌ای (از لوئیس رامبو) به نام «زمینه»، «بحران»، «پرسش»، «مواجهه»، «تعامل»، «تعهد» و «پیامد» در نظر گرفته شد. این پارادایم هفت مرحله‌ای را در چارچوب روش تحقیق «نظریه بازکاوی» با روایت و شرح حال سی نفر از نوکیشان که به اسلام گرویده‌اند، در یک مصاحبه نیمه استاندارد پیش گرفتیم. براساس مفاهیم، مقوله‌بندی‌ها و گویه‌های به‌دست‌آمده از روایت زندگی نوکیشان، می‌توان به این مؤلفه‌ها اشاره کرد: «ناسازگاری» در گرایش‌های پیشین و «دریافت» نگرش‌های نو نسبت به دین اسلام؛ «خلأهای شناختی» و نبود پاسخ‌های قانع‌کننده در دین پیشین؛ وجود «آموزه‌ها» و آیین‌ها و «کارزما»های قانع‌کننده و امیدبخش در دین اسلام.

واژه‌های کلیدی: تغییر کیش، دین، لوئیس رامبو، نظریه بازکاوی، آموزه، مواجهه، تصمیم‌گیری

## مقدمه و بیان مسئله

دو دین بزرگ اسلام و مسیحیت، به دلیل ویژگی تبلیغی و تبشیری و نیز از نظر پذیرش و جذب نوکیشان، با سایر ادیان تفاوت اساسی دارند. چنان که ماکس مولر<sup>۱</sup> با نگاهی تطبیقی، ادیان را به دو قسم تبلیغی و غیر تبلیغی تقسیم می‌کند. هر دو دین ابراهیمی از نوع ادیان تبلیغی است و به دلیل آنکه اسلام گرایش‌های وسیع اجتماعی در احکام و رویکردهای فردی و اجتماعی دارد، این ویژگی در سایر ادیان، حتی مسیحیت کمتر دیده می‌شود. امروزه تصور بر این است که ابزارهای نوین ارتباطی، گسترش تعامل‌های اجتماعی و روش‌های تبلیغی جدید بر دینداری انسان‌ها تأثیر گذاشته و نظام‌های اعتقادی و دینی را دگرگون کرده است؛ به گونه‌ای که گاه باعث «تغییر کیش»، از نظام اعتقادی پیشین به دین دیگری می‌شود.

نوشته حاضر به این پرسش اصلی می‌پردازد که چه زمینه‌ها و عواملی باعث تغییر کیش از مسیحیت به اسلام می‌شود. هدف این نوشتار، تبیین جامعه‌شناختی «منابع علی» و «شرایط زمینه‌ای» تغییر کیش، به‌ویژه تغییر گرایش از مسیحیت به اسلام خواهد بود. در این تحقیق، قلمرو و ابعاد تغییر کیش به تغییری محدود است که از مسیحیت به اسلام اتفاق می‌افتد.

### ۱. معنا و مفهوم تغییر کیش

اگر از نگاه واژه‌شناسی به کلمه تغییر کیش<sup>۲</sup> نگاه کنیم، باید گفت این مفهوم از ریشه عبری، یونانی و لاتین به معنای «برگشتن» و «برگشت» دوباره معنا می‌شود. چنان که این واژه در کتاب مقدس<sup>۳</sup> هم به کنش‌های عرفی و دنیوی یک جنبش و هم به مفاهیم الهیاتی یک فرد یا یک گروه نسبت به خدا، همچون جامعه دینداران و کنش‌های اخلاقی اطلاق می‌شود. اصطلاح تغییر کیش یا نوکیشی دینی<sup>۴</sup> به معنای پذیرش یک هویت دینی جدید یا تغییر از یک هویت دینی به هویت دینی دیگر، و به عبارت بهتر، بریدن از یک صورت قدیمی و گرایش به گروه‌های دینی، شیوه‌های زندگی، نظام‌های اعتقادی و شیوه‌های جدید ارتباط با

۱. ماکس مولر، زبان‌شناس و اسطوره‌شناس آلمانی است که کار اصلی‌اش اهتمام به ویرایش و ترجمه اسناد مهم دینی آسیا در قالب سلسله آثاری با عنوان متون مقدس شرق (*The Sacred Book of the East*) بوده است. مولر را «پدر تاریخ تطبیقی ادیان» دانسته‌اند. وی عمر خود را به مطالعه تاریخ دین، میتولوژی، زبان‌شناسی، روح و ذهن بشر اختصاص داد و آثاری مانند اسطوره‌شناسی تطبیقی، مقدمه‌ای بر علم دین و دین مردم‌شناختی پدید آورد (برای اطلاع بیشتر رک: کلیم‌کیت، [بی‌تا]، «مولر و ماکس»، دائرةالمعارف دین، ص ۱۵۳ و ۱۵۴).

2. conversion

3. Bible

4. religious conversion

الوهیت یا ذات حقیقت است (رابو،<sup>۱</sup> ۱۹۹۳، ص ۳). تغییر بیانگر تکیه‌گاه جدید برای هویت جدید انسان است. این هویت موضوع ایمان است و ساختاری اجتماعی دارد. تحقیق درباره تغییر کیش تا دهه‌های متمادی، موضوع مسلط جامعه‌شناسی و روان‌شناسی کنش دینی بوده است؛ به‌ویژه در مطالعه ادیان جدید،<sup>۲</sup> کلیسا، جنبش‌های دینی و دیگر ادیان غیر مرسوم که محققان اجتماعی درصدد چرایی و چگونگی تمایل به چنین گروه‌هایی بوده‌اند. برای فهم اینکه چرا مردم به این گروه‌های دینی می‌پیوندند ما به درکی اجتماعی و روزآمد و مطالعه‌ای روشمند، خرد و کیفی در تغییر کیش نیاز داریم. باید از رویدادها و زمینه‌های زنده و نو استفاده کرد، از زبان و دل کنشگران نوکیش بشنویم و از زندگی و پشت صحنه‌های زندگی شخصی و خانوادگی و احوال‌های درونی و فردی‌شان اطلاع پیدا کنیم.

## ۲. مبانی نظری تحقیق

مطالعه‌های مربوط به تغییر کیش، سابقه نظری کمی دارد و برخلاف سایر مسائل اجتماعی، تبیین و دسته‌بندی مطلوبی از آن صورت نگرفته است و فقط می‌توان آن را در حوزه روان‌شناسی اجتماعی و در چارچوب نگرش‌ها و باورها و تغییر و دگرگونی‌های درونی سراغ گرفت. از این رو، مهم‌ترین رویکردهای روان‌شناسی اجتماعی گزینش و معرفی می‌شود که استفاده از آنها در راستای مسئله تحقیق خواهد بود.

## ۳. رویکردهای روان‌شناسی اجتماعی

بنابراین بحث تغییر کیش را می‌توان در چارچوب‌های نوعی روان‌شناسی اجتماعی جستجو کرد که بیانگر دگرگونی و تغییر در حیطه باورها و نگرش است. داستان‌ها و روایت‌های تغییر کیش در تجربه هر روزه امری قابل تأمل است. برخی از افراد یا گروه‌های دینی با تغییر کیش به دنبال «صلح کل» هستند. تغییر کیش به اسلام در چشم‌انداز جامعه‌شناسی ادیان ویژگی‌های خاصی دارد که می‌توان آن را در پژوهش‌های تجربی علوم اجتماعی یافت. در اینجا به برخی از این مبانی و نظریه‌ها می‌پردازیم.

### ۳-۱. تغییر کیش به مثابه دگرگونی عظیم

فرهنگ مدرن با اصول، ویژگی‌ها و مظاهر خاص خویش برای مسیحیت پیامدهایی داشته است که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد. سی رایت میلز، فرایند دگرگونی دین در نظام

1. Rabo

2. new religions

مدرن غرب را این‌گونه توصیف کرده است: «زمانی دنیا پر از دینداران بود؛ در تفکر، عمل و به صورت نهادی. پس از جنبش پروتستان‌ها و رنسانس، فشارهای مدرنیزاسیون جهان را درنوردید و غیر دینی شدن به منزله فرایند تاریخی پیامد آن، از سلطه دینداران کاست. در موقع مقتضی، دینداری از همه حوزه‌ها احتمالاً به استثناء قلمرو خصوصی رخت بر خواهد بست» (میلز، ۱، ۱۹۵۹، ص ۳۲ و ۳۳). البته بیان این توصیف و ویژگی از دین در دنیای مدرن، مخصوص میلز نیست. صورت‌ها و ویژگی‌های دیگری نیز برای آن برشمرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

### ۳-۲. تغییر کیش به مثابه کنترل ذهن و شستشوی مغز

تغییر کیش در مقوله «کنترل ذهن» به نوعی مسخ شدن و بیگانه شدن با هویت قبلی فرد ناظر است؛ یعنی گویی «تغییر کیش»<sup>۲</sup> یک مفهوم دینی است که به تغییر زندگی و رفتار دینی فرد یا گروه اشاره می‌کند. هرچند این مفهوم هرچند تا دهه‌ها به‌طور خاص در «ادیان جدید» مطالعه می‌شد. کسانی مثل رودنی استارک، از چشم‌انداز جامعه‌شناختی و روان‌شناسی اجتماعی درباره این موضوع سخن می‌گفتند. بعداً روان‌شناسان اجتماعی تغییر دین را به عنوان چشم‌انداز «شستشوی مغزی»<sup>۳</sup> و «کنترل ذهن»<sup>۴</sup> تحلیل کرده‌اند. نظریه کنترل ذهن و شستشوی مغزی در چارچوب «سلامت روانی» نیز تجزیه و تحلیل می‌شود (لارنس لیلیستون و گری شفر، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸).

### ۳-۳. تغییر کیش به مثابه رابطه دوسویه جذب و کشش

برخی از نظریه‌پردازان به رابطه‌ای دوسویه «جذب و دفع» در تغییر کیش پرداخته‌اند. تغییر کیش به عنوان امری دوسویه میان فرایند تغییر/جذب<sup>۵</sup> در ادیان که چگونه افراد یا گروه‌ها از یک دین به دین دیگر می‌روند، در آثار بسیاری از اندیشمندان اجتماعی آشکار است (بارکر، ۱۹۷۶؛ کیلبرن و ریچاردسون، ۱۹۸۹)<sup>۷</sup>. بینبرج به دو گونه نظریه در تغییر دین قائل است: یکی، نظریه کشش و جذب<sup>۸</sup> و دیگری، نظریه نفوذ اجتماعی<sup>۹</sup>. براساس نظریه جذب، مردم محرومیت‌هایی در دین قبلی دارند که گویی در دین دیگری ندارند؛ در نتیجه، تلاش می‌کنند که جبران این محرومیت را در «جای دیگری» به دست آورند و به آن بپیوندند.

1. Mills

3. brain washing

5. conversion/recruitment

7. Kilbourne & Richardson

9. social influence theory

2. conversion

4. mind control

6. Barker

8. strain theory

**۳-۴. تغییر کیش به مثابه جستجوگر دینی**

اساس این نظریه آن است که کنشگر دینی پیوسته به دنبال یک «منجی» یا ناجی آسمانی است. به عبارت دیگر، یکی از مدل‌های تغییر دین، مدل «نجات‌بخش جهان»<sup>۱</sup> است که در مطالعه‌های تجربی لافلند و استارک درباره کلیسای واحد بررسی شده است. به زبان ساده، این مدل بیان می‌کند که «اندیشه‌های سنتی» جوابگوی موقعیت‌ها و جاذبیت‌های جدید نیست و باید جای دیگری و نجات‌بخش دیگری را جستجو کرد. مؤلفه‌های اصلی این مدل، چشم‌انداز مبتنی بر مسئله و نجات و ارائه تعریفی مستقل به عنوان «جستجوگر دینی»<sup>۲</sup> است.

**۳-۶. تغییر کیش به مثابه محروم شدن از چیزی**

برخی از نوکیشان چنان از زندگی دینی خود سخن می‌گویند که انگار از چیزی محروم شده‌اند. برای مثال، چارلز گلاک<sup>۳</sup> ۱۹۷۱م از مفهومی کلیدی به نام محرومیت<sup>۴</sup> استفاده می‌کند. وقتی که فرد پایگاه و سازمان خود را از دست می‌دهد و از داشته‌ای محروم می‌شود، تلاش می‌کند که این محرومیت را در جای دیگری جبران کند. گلاک و استارک پنج نوع محرومیت را از هم متمایز می‌کنند: اقتصادی، اجتماعی (منزلت، قدرت و پایگاه) ارگانیک (معلولیت جسمانی یا ذهنی)، اخلاقی (اشاره به تضادهای ارزشی و ناخشنودی از آرمان‌های جامعه)، روانی (عدم پایداری به ارزش‌های موجود، مثل بی‌هنجاری) (گلاک و استارک، ۱۹۷۱، ص ۳۹۷؛ به نقل از: تامسون و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲).

**۳-۶. تغییر کیش همچون نوعی پیوستگی یا افزون‌شدگی**

برخی از نوکیشان به دنبال این هستند تا دین خود را «قوت و تعمیق» بیشتری دهند. در این مدل، تغییر کیش را به شدت و ضعف یا پیوستگی و انتقال تقسیم‌بندی کرده‌اند و بر این اساس، چهار گونه نوکیشی را برشمرده‌اند: افزایشی یا افزون‌شدگی،<sup>۶</sup> پیوستگی،<sup>۷</sup> انتقال سازمانی<sup>۸</sup> و انتقال سنتی<sup>۹</sup> (مک‌نایت، ۲۰۰۲، ص ۵۴).

1. World-Saver  
3. Charles Glock  
5. Glack & Stark  
7. affiliation  
9. traditional transion

2. Religious Seeker  
4. deprivation  
6. intensification  
8. institutional transion  
10. Scot Mcknigh

#### ۴. رویکردهای جامعه‌شناختی

##### رهیافت‌ها و چالش‌ها

ما در این رویکرد با زمینه‌ها و شرایط اجتماعی و پس‌زمینه‌های محیطی و نیز سازگاری و ناسازگاری اجتماعی و فرهنگی تغییر کیش روبه‌رو هستیم. برای تحلیل مقوله تغییر کیش به الگوهای متنی، شرایط، منابع، نمونه‌های تجربی و رشد فرایندی تغییر کیش نیاز داریم. آیا می‌توان با نظریه‌های رایج در جامعه‌شناسی به تبیین مفهوم تغییر کیش بپردازیم؟ در اینجا به بررسی برخی از نظرات در جامعه‌شناسی نظر می‌افکنیم.

##### ۴-۱. نظریه «انتقادی»

آیا در چارچوب «نظریه انتقادی»<sup>۱</sup> می‌توان به تحلیل اجتماعی نوکیشی پرداخت؟ مطابق این نظریه، ناسازگاری‌ها و پارادوکس‌های موجود در «مجموعه مناسبات اجتماعی ساخت‌یافته»، همانند تفاوت قومیت‌ها، هنجارها و ارزش‌ها شکل می‌گیرد. نکته مهم در نظریه انتقادی، تأکید بر توزیع متفاوت فرصت‌ها، حقوق و امتیازها در میان فرهنگ و نیز افراد است که از راه مجموعه مناسبات اجتماعی ساخت‌یافته به وجود می‌آید. براساس این تعریف، به دلیل آنکه افراد با درخواست‌ها و انتظارات ناسازگار و متناقض در میان خود، خانواده، دوستان و گاهی جوامع دیگر روبه‌رو می‌شوند؛ بنابراین، مفهوم انتقادی در روند نوکیشی، همانند پلی است که باعث ارتباط میان ساختارهای اجتماعی و فرد می‌شود و بر تنش میان آنها تأکید دارد.

در اینجا، نظریه انتقادی به تفاوت‌های ماهوی و ذاتی انسان و نیز «نامتجانس بودن» در سطح فرد یا نژاد یا طبقه یا قومیت ناظر نیست؛ بلکه به ناسازگاری در حوزه ارزش‌ها و تفاوت اکتسابی و فرهنگی مربوط است. این نظریه به نقش‌های اجتماعی رقیب، ارزش‌ها، هنجارها و باورها متمرکز می‌شود و از این نظر می‌تواند به قلمرو اعتقادات و باورهای دینی و تفاوت‌ها در حوزه‌های دینداری نیز منتهی شود. بنابراین، برای فراتر رفتن از مناسبات خانواده و فرایندهای تداوم و تغییر در مناسبات اجتماعی ساخت‌یافته، دگرگونی و تغییر در حوزه نگاه و نگرش دینی در چشم‌انداز دوره زندگی، زمینه پیوند مفهومی میان متن اجتماعی و عاملیت فردی<sup>۲</sup> را فراهم می‌کند.

1. Critical Theory

2. agency

#### ۲-۴. نظریه «کارکردگرایی ساختاری»

به نظر دورکیم، هنجارها و ارزش‌ها در خارج و مستقل از ما به منزلهٔ افراد انسانی وجود دارد. این موضع نظری، نمونه مناسبی از یک «جامعه‌شناسی ساختاری»<sup>۱</sup> است. تأکید کارکردگرایی ساختاری بر این مسئله است که چگونه زندگی ما به وسیله نیروهای شکل می‌گیرد که خارج از کنترل ما هستند. می‌توان گفت که امیل دورکیم به اهمیت فرایندهای اجتماعی در سطح کلان (ساختارها، هنجارها و ارزش‌ها) تأکید کرده است؛ به طوری که بیرون از افراد، آنان را در جامعهٔ وسیع‌تر انسجام می‌بخشد و رفتار و باورهای آنان را شکل می‌دهد؛ اما به نظر می‌رسد که در فرایند نوکیشی با فاعلان و تصمیم‌گیرندگان و کنش‌گرانی فعال روبه‌رو هستیم نمی‌توان با چارچوب کارکردگرایی یا کارکردگرایی ساختارگرایی این پدیده را تبیین کرد.

#### ۴-۴. ماکس وبر و «دیدگاه تفهمی»

وبر در چارچوب روش «تفسیر تفهمی» به تفسیر و دخالت نیت‌ها، نگرش‌ها و باورها در حوزهٔ عمل اجتماعی پرداخته است. سهم او در «مفهوم‌سازی» شیوه زندگی، معرفی آن در قالب دیالکتیک درونی میان انتخاب‌ها و فرصت‌ها است؛ به طوری که هر یک در شکل‌گیری شیوه زندگی، دیگری را از دور خارج می‌کند. براساس این دیالکتیک، افراد شیوه زندگی و فعالیت‌هایی را انتخاب می‌کنند که آنها را برجسته می‌کند. علاوه بر آنکه، انتخاب‌ها به وسیله موقعیت اجتماعی آنان محدود می‌شود.

وبر براساس مفهوم «تفهم تفسیری»، نقش انتخاب را به منزلهٔ «عاملی» برای غلبهٔ عاملیت بر فرصت و با وجود این، نمایانگر ساختار در انتخاب شیوه زندگی در نظر می‌گیرد. در نظری، هر دو اهمیت دارد. فرصت‌های زندگی، شامل طبقه، سن، جنسیت، قومیت و سایر متغیرهای ساختاری است و باعث شکل‌بخشی انتخاب در حیطهٔ باور و شیوهٔ زندگی می‌شود. این‌گونه انتخاب‌ها، نوعاً درگیر تصمیم‌گیری در «انتخاب عقلانی» و محاسبه و فعالیت در سایر حوزه‌های آگاهی است. رفتارهایی که از روابط درونی انتخاب‌ها و فرصت‌ها سرچشمه می‌گیرد، می‌تواند موضع فرد را در مسیرهای گوناگون مشخص کند. با وجود آنکه وبر به شیوه‌های تغییر باور و کیش توجه نکرده است؛ اما مفاهیم او این اجازه را می‌دهد که میان آنها و این گزاره ارتباط تفهمی برقرار کنیم: شکل‌گیری آنها از راه دیالکتیک درونی میان انتخاب‌ها و فرصت.

#### ۴-۵. پارسونز و «متغیرهای الگویی»

به نظر تالکوت پارسونز، پدیده‌های اصلی را باید در همبستگی نهادی انگیزش و در تقویت دوسویه نگرش‌ها و کنش‌های افراد کنشگر متفاوت یافت که به یک ساختار اجتماعی نهادی شده وابسته است (کوزر، ۱۳۷۰، ص ۴۴۸). پارسونز تلاش می‌کند تا زمینه‌های ستیز و بی‌هنجاری را بیشتر بکاود. او یک نمونه از این ستیز و بی‌هنجاری را در یک مثال بیان می‌کند. پزشک تکالیف ویژه‌ای در برابر بیماران دارد؛ اما در برابر خانواده‌اش نیز تکالیف مهمی دارد. شغل او به گونه‌ای است که وقتی در برابر خواست‌های مهم خانواده خود قرار دارد — مثلاً معاشرت‌های اجتماعی برنامه‌ریزی شده — بارها اتفاق می‌افتد که باید جمع خانواده را ترک کند. روبه‌رو شدن با وضعیت‌های متضاد در شرایطی که اولویت‌های نهادی شده تکالیف روشنی وجود نداشته باشد، جنبه بسیار مهمی از بی‌هنجاری است (کوزر، ۱۳۷۰، ص ۴۴۹).

پارسونز الگوهای هنجاری را به صورت «نقش‌های اجتماعی» کنشگران تجزیه و تحلیل می‌کند و چارچوب نظری متغیرهای الگویی<sup>۱</sup> را به کار می‌برد، اما در آنجا که «روحیه‌های متفاوت فردی» در فرایند نوکیشی در نظر بگیرد نمی‌تواند به تحلیل جامعه‌شناختی تغییر کیش پردازد.

#### ۴-۶. آنتونی گیدنز و مفهوم «عاملیت و ساختار»

گیدنز در رابطه میان سنت و تجدد، به تحلیل الگوهای رفتاری و تغییرپذیری آنها می‌پردازد که به‌طور تلویحی می‌توان دگرگونی و تغییر باورها را نیز در آن جستجو کرد. او در تحلیل نظریه «ساخت‌یابی»<sup>۲</sup> معتقد است که سنت، زندگی را در محدوده کانال‌هایی تقریباً از پیش تعیین شده به جریان می‌اندازد؛ در حالی که تجدد فرد را در روی تنوع پیچیده‌ای از انتخاب‌های ممکن قرار می‌دهد. به این ترتیب، زندگی روزمره، براساس تأثیرهای متقابل عوامل محلی و جهانی بازسازی می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۶، ص ۱۷۳ و ۱۱۹).

گیدنز در قالب «تأثیرهای متقابل و فزاینده میان دو حد نهایی برون‌مرزی و درون‌مرزی»، به‌نوعی نظم «فراستنی» اشاره می‌کند که در آن، احساس امنیت و قطعیت ناشی از عادت‌ها و سنن، جای خود را به یقین ناشی از عقلانیت سپرده، اصل «تشکیک بنیادین» را نهادینه می‌کند. در نظر او، علم نوین به اصل «شک بنیادین»<sup>۳</sup> وابسته است؛ بنابراین، در برابر تجدید

1. pattern variables  
2. structuration  
3. radical doubt



نظر قرار دارد. در اینجا امکان تشکیک در باورهای گذشته افراد وجود دارد. به عبارت دیگر، گیدنز در تحلیل خود از مدرنیته، شرایط تشکیل باورها را در جریان جهانی شدن و گرایش‌های دوسویه ناشی از تأثیرهای جهانی و گرایش‌های درونی را به چالش کشیده است. از این نظر چارچوب نظری گیدنز تنها در بعد پیامدهای مدرنیته و جهانی شدن می‌توان به جریان نوکیشی نگریست هرچند در سایر ابعاد فردی و شناختی کمتر به کار می‌آید.

#### ۴-۷. پیر بردیو و مفهوم «عادت‌واره»

رویکرد نظری بردیو به بررسی چگونگی تأثیرپذیری فعالیت‌های جاری افراد از ساختاری بیرونی جهان اجتماعی و نیز چگونگی بازتولید آن ساختار توسط این‌گونه فعالیت‌ها اختصاص دارد (جنکینز،<sup>۱</sup> ۱۹۹۲). او به وسیله مفهوم کلیدی «عادت‌واره»، فعالیت اجتماعی را به فرهنگ، ساختار و قدرت پیوند می‌دهد (اسوارتس،<sup>۲</sup> ۱۹۹۷). از نظر بردیو، ساختار ذهنی به منزله «طرح ذهنی» یا «چارچوب سازمان‌یافته ادراک‌ها» است. می‌توان گفت که بردیو به دلیل آنکه نقش‌های نمادین و غیر مستقیم قدرت‌های رایج را در متن روابط و مناسبات اجتماعی آشکار کرده است، تا حدی به تعارض‌ها و پیچیدگی‌های کنش‌ها و نگرش‌ها توجه کرده است. او در تحلیل نهایی، عملکرد را پیش‌بینی‌پذیر و عادت‌ی به شمار می‌آورد، هرچند مغایر انتظارات‌های هنجاری و رایج‌کنش باشد. از نظر وی، رفتار انتخاب‌شده، علاوه بر جامعه‌پذیری از راه عادت‌واره شرایط طبقه‌ای، منطبق با هنجارهای گروهی طبقه‌ای خاص ظاهر می‌شود. به تعبیر دیگر، می‌توان گفت که رابطه دوسویه عاملیت و فعال بودن کنشگر و ساختار در این چشم‌انداز به سوی ساختارگرایی منتهی می‌شود، که باز نقش کنشگر فعال و آگاه را نادیده می‌گیرد.

#### ۴-۸. زیگموند باومن و «سیال شدن باورها»

باومن، یکی از صاحب‌نظران حوزه پست‌مدرن است.<sup>۳</sup> او تا حدودی همانند گیدنز به پیامدهای دوران پست‌مدرن توجه دارد و تلاش می‌کند که به سقوط مدرنیسم و نظام اجتماعی فراصنعتی آن، به همراه تشکیل شرایط اجتماعی جدید پردازد (کاکرهام،<sup>۴</sup> ۲۰۰۱، ص ۱۶). در نظر او، شرایط پست‌مدرن «بازتاب فاصله فزاینده میان اخلاقیات و کردار» است

1. Jenkins

2. Swarts

۳. باومن در کتاب عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی، رویکرد نظری خود را به پست‌مدرنیسم تبیین کرده است.

4. Cockerham

و توسعه تکنولوژی باعث شدت بخشیدن به آن می‌شود. به نظر باومن، در نتیجه تغییرهای اجتماعی، مانند تأثیرهای جهانی شدن، تغییر در فرآوری اجتماعی و چرخه دانش، زمینه «عدم اطمینان» بسیار محسوس نسبت به برداشت‌ها، اخلاقیات، عملکردهای اجتماعی و سیاست‌ها فراهم شده است؛ به طوری که «زیستگاه پست‌مدرن» قلمرویی برای رقابت و ادعاهای متناقض تلقی می‌شود (باومن، ۱۹۹۴<sup>۱</sup>، ص ۱۹۳). به نظر می‌رسد اینجا نیز نظریه باومن خصلتی روان‌شناختی دارد و به کار تحلیل جامع‌تر مقوله تغییر کیش نمی‌آید.

##### ۵. کنش متقابل نمادین

کنش متقابل نمادین،<sup>۲</sup> رهیافتی به کاستی‌های نظریه کارکردگرایی ساختاری است. این نظریه با آثار جرج هربرت مید و هربرت بلومر رونق یافت. براساس این نظریه، واقعیت اجتماعی در سطحی خرد، توسط افرادی تشکیل می‌شود که با یکدیگر بر مبنای معانی نمادین مشترک تعامل دارند. انسان در این نظریه، دارای تفکر، تعریف موقعیت و رفتارآفرینی بر مبنای تعاریف و تفاسیر خودش است. از نظر بلومر، این موقعیت کنش متقابل نمادین است که کنش اجتماعی بازیگران توسط آنها ساخته می‌شود (بلومر، ۱۹۶۹<sup>۳</sup>، ص ۵۵). زندگی اجتماعی به وسیله عاملان تعامل به وجود می‌آید که رفتار خود را انتخاب می‌کنند و براساس آن عمل می‌کنند. از این رو، فرایندهای اجتماعی با مقیاس وسیع و کانالیزه شدن ساختاری رفتار، نقش اصلی را در عملکرد افراد ندارد (کوکرهام، ۲۰۰۱، ص ۷؛ به نقل از: جمیلی، ۱۳۸۲).

اروین گافمن، یکی از نظریه‌پردازانی است که در چارچوب کنش متقابل نمادین، کار خود را در جامعه‌شناسی پزشکی و بیشتر از راه کاربرد «مشاهده مشارکتی» در راستای مطالعه زندگی بیماران مغزی بیمارستان آغاز می‌کند. در نظر گافمن، از دیدگاه «دراماتیک»، زندگی به مثابه تئاتر و افراد به منزله بازیگران در صحنه نمایش تلقی می‌شوند. در اینجا ممکن است بتوان با چارچوب نظریه کنش متقابل و تأثیر پذیری افراد در فرایند نوکیشی پرداخت اما با نظریه «نمایش» گافمن نمی‌توان این مفهوم را تحلیل کرد.

##### ۶. نظریه «کشش» و «نفوذ» اجتماعی

در بخش پیشین درباره جنبه‌های روان‌شناختی اجتماعی تغییر کیش در چارچوب نوعی کشش و نفوذ بحث شد. در اینجا از دیدگاه جامعه‌شناسی به این نظریه می‌پردازیم. برخی از

1. Bauman  
2. social intraction  
3. Blumer

جامعه‌شناسان تلاش کرده‌اند که موضوع تغییر کیش را از ناحیه دو تئوری کشش<sup>۱</sup> و نفوذ اجتماعی<sup>۲</sup> تبیین کنند. براساس نظریه اول، افراد به دین دیگری می‌روند تا رضایت خود را به خواسته‌های قراردادی‌ای اعلام کنند که محرومیت‌های جمعی و شخصی غیر معمول، آنها را سرزنش کرده بود. مطابق نظریه دوم، افراد به دین دیگری می‌پیوندند؛ زیرا آنها تعلق‌های اجتماعی با کسانی پیدا کرده‌اند که قبلاً عضو آنها بوده‌اند و به دلیل ارتباطشان با غیر عضو دچار سستی شده‌اند (لانگ و هادین،<sup>۳</sup> ۱۹۸۳، ص ۱-۱۴).

رابرت کی مرتون معتقد است که نظریه کشش برای تبیین بسیاری از پدیده‌های اجتماعی به کار می‌رود (مرتون،<sup>۴</sup> ۱۹۶۸). پیش فرض نظریه این است که مردم به دلیل محرومیت‌های نسبی‌شان از یک دین به دین دیگری رجوع می‌کنند. تا اینجا مقاله به رویکردهای روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی در خصوص موضوع تغییر کیش پرداختیم. هر کدام از این دو رویکرد تنها توانسته‌اند جنبه و شاید جنبه‌هایی از موضوع را توضیح دهند. هنوز به یک چارچوب مفهومی جامع نیاز داریم.

#### ۷. لوئیس رامبو و بوم‌شناسی تغییر کیش

اصطلاحی که لوئیس رامبو،<sup>۵</sup> استاد روان‌شناسی و دین در دانشگاه سان‌فرانسیسکو، برای تحلیل فرایند تغییر کیش به کار می‌برد، «بوم‌شناسی تغییر کیش»<sup>۶</sup> است. وی در کتاب شناخت تغییر کیش،<sup>۷</sup> هفت مرحله را به عنوان مدل‌های شناختی برمی‌شمارد.<sup>۸</sup> این مراحل را می‌توان به عنوان چارچوبی مفهومی در فرایند تغییر کیش در نظر گرفت. در ادامه به توضیح مراحل هفت‌گانه می‌پردازیم.

#### زمینه<sup>۹</sup>

نقطه آغاز این مدل، ویژگی‌هایی است که افراد از محیط اطراف خود، از تربیتشان تا پیش‌زمینه‌های آموزشی، کار، شبکه اجتماعی و گرایش‌های فرهنگی کسب کرده و از آنها

- |   |                            |
|---|----------------------------|
| 1. strain theory                                      | 2. social influence theory |
| 3. Long & Hadden                                      | 4. Merton                  |
| 5. Luis R. Rambo                                      | 6. ecology of conversion   |
| 7. Rambo, <i>Understanding Religious Conversion</i> . |                            |

۸. این کتاب دارای ۲۴۰ صفحه و دیباچه، مقدمه، ده فصل، خاتمه و نتیجه‌گیری است. مؤلف تلاش کرده است موضوع تغییر کیش را به روش مشاهده‌ای و بی‌طرف در مؤلفه‌های نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، فردی و دینی مورد بررسی قرار دهد. رامبو موضوع تغییر کیش را اساساً فرایندی تحلیل می‌کند و به هیچ نحو تک عامل نگاه نمی‌کند.

9. context

ساخته شده است؛ یعنی مجموعه‌ای از تعلیم و تربیت، تجربه دینی گذشته، سلامت ذهنی، مهارت‌های اجتماعی و ارزش‌های محوری. در اینجا با محیط و زمینه‌ای روبه‌رو هستیم که تغییر در آن اتفاق می‌افتد.

ابراهام مازلو در ساخت نیازهای انسانی، چهار گروه از نیازهای انسانی را بیان می‌کند: فیزیولوژیکی، اجتماعی (تعلق و ارتباط)، نفسانی (عزت نفس) و خودشکوفایی. نیازهای اجتماعی یا تعلق، بازگوکننده اشتیاق انسان برای پذیرفته شدن توسط دیگران است. پیوستن به دیگران، پذیرفته شدن و تعلق داشتن به گروه در این طبقه از نیازها قرار می‌گیرد. ممکن است برای احساس تعلق، به گروه یا باشگاهی بپیوندیم، ارزش‌ها یا ویژگی‌های آن را بپذیریم، یا لباس متحدالشکل آن را به تن کنیم. از این نظر، مازلو و اریکسون تأکید می‌کنند که فهم زمینه زندگی جستجوگران دینی در منابع عقلانی، احساسی و معنوی‌شان بسیار مهم به نظر می‌رسد.

زمینه را پیتز برگر به صورت موقعیت «اینجا و اکنون» افراد (برگر، ۱۳۷۵، ص ۴۶)، توصیف می‌کند. در موقعیت چهره‌به‌چهره، دیگری در اکنون زنده‌ای آشکار می‌شود که هر دو در آن شریک هستند. اینجا و اکنون من و او پیوسته با یکدیگر برخورد می‌کنند. در نتیجه، مبادله مداومی از نمایش معانی ذهنی<sup>۱</sup> من و او صورت می‌گیرد.

با درکی از زمینه (لويس رامبو)، و موقعیت (پیتز برگر) و تعلق (آبراهام مازلو)، سازمان و گروه‌های محلی - دینی و گرایش‌ها و آیین‌های اجتماعی در موقعیت‌های چهره‌به‌چهره روبه‌رو می‌شوند و نوکیشان تحت تأثیر و نفوذ سطوح شخصی، از جمله خانواده، دوستان، برنامه روزانه، شخصیت فردی، معانی و ارزش‌ها قرار می‌گیرند و در این موقعیت‌های چهره‌به‌چهره نتایجی به بار می‌آید. همه این عوامل می‌تواند تحت تأثیر «تجربه‌های فردی» قرار گیرد. یکی از پیامدهای آن، بحران است.

## بحران<sup>۲</sup>

بحران، ناشی از اعتراض، چالشی است که به دلیل هویت دینی اتفاق می‌افتد. گاهی به صورت نابه‌هنگام و زمانی ناشی از کشفی دردناک و ناگوار رخ می‌دهد. جوانانی که با دریافت ارزش‌های شخصیتی پیشینی‌شان، همراه با ناامیدی به مقابله می‌خیزند، وقتی که بزرگ می‌شوند، داستان‌های دینی را خلاف آن چیزی می‌یابند که در دوران کودکی به آنها

1. expressivity  
2. crisis

یاد داده بودند. وقتی که در کتاب مقدس می‌خوانند که جهان در شش روز آفریده شده است، با عقل و واقعیت‌های خارجی سازگار نیست. آنچه رهبر دینی گفته با آنچه را که او عمل می‌کند، ناسازگار می‌بیند و سرانجام این تناقض‌ها باعث تحمل‌ناپذیری می‌شود و جستجوگر را به تردید با آنچه داشته است وامی‌دارد. رفته‌رفته به شوک منتهی می‌شود و زمینه بحرانی درونی فراهم می‌کند. هرچند این ضربه، با قواعد و باورهای اجتماعی به مبارزه برمی‌خیزد؛ ولی بخشی از آنها از طرف مؤسسه‌های معنوی و روان‌درمانی، حل می‌شود. اما برای بسیاری از افراد به نارضایتی و بحران دینی منتهی خواهد شد.

### جستجو<sup>۱</sup>

«زمینه» و «بحران»، هر دو برای پیدا کردن و مبارزه کردن چیزی است و بیشتر نوکیشان خواهان پیدا کردن چنین چیزی هستند. این «چیز»، تحقیق درباره واقعیت یا حقیقت یک امر معنوی است. فردی که از بحران رنج می‌برد، رهیافت‌های جانشین مفیدی را در درون یا ورای سنت دینی جستجو می‌کند. ممکن است راه‌هایی مانند: مطالعه کردن، رسانه‌ها، دیدن عبادتگاه‌ها و مناسک دینی، گفتگو با دوستان ادیان گوناگون پیدا کند. در این مرحله، نوکیشان می‌توانند آیین‌های دینی گوناگونی را ببینند و با پیروان آنها گفتگو کنند. کهنسالانی که به‌خوبی آماده‌اند تا از سر رغبت و رضایت به هر نوع کنجکاوی جستجوگران دینی جدید پاسخ دهند.

چالش، مرحله جستجوی تحقیق در دو طرف پلی است که شخص را از عصبانیت به امید عبور می‌دهد. آنها درصدد این هستند که از آموزه‌های شکل‌گرفته الهیاتی دین گذشته خود، راه‌های امیدوارکننده و خوشایندکننده پیدا کنند. راهی که یک طرف آن، خستگی، ناامیدی و یأس و طرف دیگر آن، پاداش، امید و رستگاری است.

### مواجهه<sup>۲</sup>

مرحله مواجهه، در ادیان تبلیغی جایگاهی ویژه‌ای دارد. نوکیش، با کسی «ملاقات» می‌کند یا «متوجه» می‌شود که پیروان دین قبلی در عمل به دینشان صادقانه و فعال بودند. برخی از ادیان، مبلغ می‌فرستند و گروه‌های دینی تلاش می‌کنند که نوکیشان جدید را به سمت دین خودشان جذب کنند. بنابراین، در این مرحله از فرایند تغییر و در آنجایی که به ارتباط و تماس با دیگری

1. quest  
2. encounter

نیاز است، بسیار طبیعی به نظر می‌رسد. در نتیجه، در مرحله مواجهه با کسی یا چیزی سروکار داریم که با ما ارتباط برقرار می‌کند و نقطه آغازی در تغییر و دگرگونی دین ما خواهد بود.

### تعامل<sup>۱</sup>

نوکیش در این مرحله روابطی را با دینداران دیگر برقرار می‌کند که فکر می‌کند در نسبت با موقعیت‌های قبلی او بهتر و مناسب‌تر است. میزبانان نیز به عنوان مشاهده‌گر راهنما او را به دین جدید راهنمایی می‌کنند و گاهی او را به مراسم آموزشی می‌برند و از نزدیک او را راهنمایی می‌کنند. حتی برخی از جوامع دینی، برای تازه‌واردان، کلاس‌های آموزشی برگزار می‌کنند. این رابطه کمک می‌کند تا قواعد، آموزه‌ها، مراسم آیینی، رفتار و نگرش‌ها را به مثابه راهی جدیدتر، بیشتر و بهتر یاد بگیرد.

چالش جدی این دوره، همراه با بینش و بصیرت است. تعاملی که رامبو از آن سخن می‌گوید، چیزی شبیه دوره نامزدی برای جلب رضایت است. مردم می‌آیند و به عنوان میهمانان تازه‌وارد مورد حمایت و پشتیبانی قرار می‌گیرند. مسائل درونی برای جستجوگران، همچون پشت صحنه چیزی است که آنها چندان از آن آگاه نیستند. جستجوگران نیازمند درک روشنی از اندیشه فنون، اندیشه نقدی و ارزش‌های محوری در آموزه‌ها و اعمال الهیات گروه هستند. او با این آمادگی رفته‌رفته پذیرفته می‌شود و نیز متعهد می‌شود که به آموزه‌ها و ارزش‌های گروه جدید وفادار باشد.

### وفاداری<sup>۲</sup>

نوکیش به‌طور رسمی به جامعه ایمانی جدید وارد می‌شود و تدریجاً همه تعهدهای اخلاقی و آیینی عضو جامعه جدید را می‌پذیرد و عضو می‌شود. وفاداری و پیمان خود را به راه جدیدی که در زندگی انتخاب کرده، اعلام می‌کند. در اینجا وفاداری و تعهد، از ملاک‌های ایمان است و نشانه‌های شرک، عدم توجه به وفاداری است. گویی ملاک ایمان، در تعهد و فرمانبری است و ملاک شرک،<sup>۳</sup> ریسک و نافرمانی است.

### پیامدها<sup>۴</sup>

وقتی نوکیشان به دین جدید وارد می‌شوند، اعتبار و سازگاری جدیدی در سیستم اعتقادی

1. interaction

2. commitment

3. paganism

4. consequences

جدید میان دوستان پیدا می‌شود و منافع جدیدی برای آنها ایجاد می‌کند. بینش‌ها و باورها در دین جدید، قواعد اجتماعی جدیدی را ایجاد می‌کند. روابط مقدسی که اعضا را مبتنی بر سیستمی از نمادها و ارزش‌ها، با معیار و محور ایمان گرد هم جمع می‌کند و زندگی روزمره آنها را بازتعریف می‌کند.

#### ۸. تفکیک و تعیین مؤلفه‌های تشخیصی

در راستای توصیه‌های روش‌شناختی نظریه بازکاوی، برخلاف نمونه‌یابی در تحقیق‌ها که بیشتر بر «تجانس» و «تصادفی بودن» انتخاب نمونه تأکید دارند، در نمونه‌یابی کیفی، «تنوع و تفاوت»<sup>۱</sup> مورد نظر است و نمونه‌ها براساس تفاوت بینش انتخاب می‌شوند (دیویرس و رایبسون، ۲۰۰۲، ص ۲۴۵). ولی این مهم در بحث مورد نظر ما، نوکیشان تازه‌مسلمانان را به لحاظ زمانی و زبانی و گاهی سازمانی؛ مشکل روبه‌رو می‌کرد و ما در ابتدا از نمونه‌گیری در دسترس استفاده کردیم. از این‌رو، نمونه مورد مطالعه مجموعاً سی نفر از تازه‌مسلمانانی بوده‌اند که در زمان‌ها و دوره‌های مختلف به اسلام گرایش پیدا کرده‌اند.

پس از نمونه‌گیری در دسترس، تعداد دیگری از افراد نوکیش از راه «نمونه‌گیری گلوله برفی» شناسایی شدند. برخی از نوکیشان به دلیل مشکلات حضوری نخواستند یا نتوانسته‌اند که به صورت حضوری در مصاحبه شرکت کنند به صورت مکتوب به پرسش‌های ما پاسخ گفته‌اند. همین‌طور در چند موقعیت، برخی از نوکیشان با استفاده فضای اینترنت به صورت آنلاین به پرسش‌های تحقیق پاسخ داده‌اند. گاهی از راه «نمونه‌گیری نظری»، با توجه به راهبردهای مربوط به حساسیت نظری، به دلیل انعطاف‌پذیری، در گسترش پرسش‌ها یا جایگزینی و تحدید آنها بسیار مفید واقع شده‌اند. محدودیتی درباره تعداد مصاحبه‌شوندگان اعمال نشد؛ بنابراین، نمونه‌گیری نظری تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت.

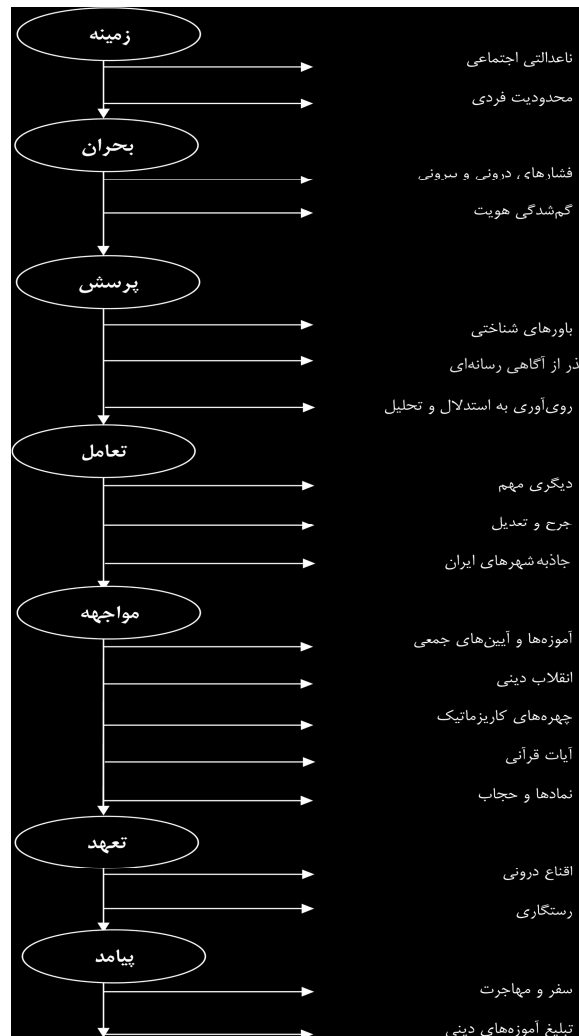
در این تحقیق، ما از راه کاربرد تکنیک «دوره زندگی» یا همان «شرح حال» (روایت)،<sup>۳</sup> یا چیزی که به زندگینامه شخصی (اتوبیوگرافی) معروف است، به رمزگشایی از جهان‌بینی و بینش نوکیشان تازه‌مسلمانان در چارچوب پروسه یا مراحل مفهومی لوئیس رامبو پرداخته‌ایم. این روایت‌ها و شرح‌حال‌ها، به لحاظ شناختی و زبانی و گاهی از راه نشانه‌ها، نمادها یا تصاویری در منزل یا آویزان به لباس و خانه یا فرزند، خود را نشان داده است. در اینجا و به تبعیت از روش و رویکرد نظریه بازکاوی، استفاده‌کنندگان تفاوت چندانی بین طبقه‌بندی و

1. diversity  
3. narrative

2. Devers & Robinson

تحلیل قائل نیستند و با حذف مرحله طبقه‌بندی، مرحله تحلیل را در سه مرحله کدگذاری<sup>۱</sup>، کدگذاری محوری<sup>۲</sup> و کدگذاری انتخابی به پیش می‌برند (محمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷).

مجموعه مصاحبه‌های تحقیق با یک دستگاه ضبط صوت کوچک ضبط و ثبت و با فاصله کوتاهی یادداشت و مکتوب شد. بعد از سی مصاحبه، مضامین یادداشت‌شده، براساس کدگذاری و طبقه‌بندی‌ها، متناسب با مراحل هفت‌گانه رامبو دسته‌بندی شد.



شکل ۴-۱: تفکیک و تشخیص مؤلفه‌ها براساس کدگذاری‌ها و دسته‌بندی‌ها

1. open coding
2. axial coding



### ۹. تغییر کیش و رویکرد روشی نظریه بازکاوی<sup>۱</sup>

تاریخچه نظریه بازکاوی با یک پروژه تحقیقی در آمریکا آغاز شد. در دهه ۶۰، بارنی گلاسر<sup>۲</sup> با همکاری استراس (۱۹۶۵) درباره آگاهی از مرگ بیمارانی مطالعه کردند که به بیماری‌های شدید مبتلا بودند روش‌های استفاده‌شده در این مطالعه، پایه‌ای برای تدوین کتابی به نام کشف نظریه بازکاوی شد که هم‌اکنون تأثیر زیادی در تحقیق‌های کیفی در حوزه علوم اجتماعی دارد. گلاسر و استراس با تأثیر از رویکردهای روش‌شناسی لازارسفلد و مرتون که اینها نیز متأثر از رویکردهای روشی دانشگاه‌های کلمبیا و شیکاگو بوده‌اند، با همکاری یکدیگر، نظریه بازکاوی را کشف کردند (سامیک، ۳، ۲۰۰۰، ص ۱۰).

بنابراین، رویکرد کیفی به دنبال «درک احساس‌های انسانی»، همانند «تنهایی»، «امید»، «رضایت‌مندی» و معانی و باورهای انسانی نهفته در رفتارها است. شیوه‌های کیفی برای آن دسته از پرسش‌هایی مناسب است که به تحلیل استقرائی، توصیف و تفسیر تجربه‌های متنوع انسانی نیاز دارد. یکی از رویکردهای تحقیق کیفی، نظریه بازکاوی است.

در این تحقیق، نمونه‌گیری به صورت «نمونه‌گیری هدفمند»<sup>۴</sup> است. برخی آن را «نمونه‌گیری قضاوتی»<sup>۵</sup> نیز می‌نامند. در این روش، «افراد» (نه سازمان‌ها یا میدان‌های معین) براساس میزان روشنائی بخشی برای نظریه‌ای انتخاب می‌شود که برای آن تدوین شده است. در این تحقیق، در نتیجه واحد تحلیل<sup>۶</sup> افراد نوکیشی‌اند که در واقع، «واحدهای مشاهده» نیز هستند (ببی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۰).

### ۱۰. تحلیل مقایسه‌ای، ویژگی و شاخص‌های تغییر کیش از مسیحیت به اسلام

براساس حکایت‌ها و روایت‌های نوکیشان، مبتنی بر الگوی نظری لویس رامبو، می‌توان به

۱. Grounded Theory؛ در ادبیات روش تحقیق و منابع ترجمه‌ای، برای کاربرد واژه Grounded Theory توافق عام و پذیرفته‌شده‌ای وجود ندارد. برخی برای این واژه «نظریه پایه» استفاده کرده‌اند برخی واژه «نظریه مبنا» را در نظر گرفته‌اند. برخی «تئوری زمینه‌ای» (بیابانگرد، ۱۳۸۷، ص ۶۸)؛ (فرانکفورد و نجمیاس، ۱۳۸۱، ص ۴۳۰) به کار برده‌اند. آقای محمد گری لگنهاوزن برای ترجمه این مفهوم «نظریه حدس‌یابی» به کار برده است. دکتر حسن سرایی در کلاس روش تحقیق، این مفهوم را به همان لفظ و شکل انگلیسی‌اش، Grounded Theory به کار می‌بردند. خانم فاطمه جمیلی در رساله دکترای خود از این مفهوم به نام «نظریه بازکاوی» یاد کرده‌اند. از آنجا که این مفهوم به معنای واقعی و منطقی آن، بیانگر رابطه دوسویه قیاس و استقراء و آزمون و نظریه و بیانگر نوعی بازخورد یا دیالکتیک و رفت و برگشت میان تجربه و نظریه در نظر گرفته می‌شود، در همه جای این رساله، به نام نظریه بازکاوی به کار خواهد رفت.

2. Barney Glaser

3. Samik

4. purposeful sampling

5. judgmental sampling

6. unit of analysis

تمایزها و اشتراک‌های نگرشی و رفتاری و نوع رویکرد افراد نوکیش به اسلام به مثابه شناسایی عوامل اجتماعی همبسته با آنها توجه کرد.

**مفهوم:** تحلیل اجتماعی تغییر کیش از مسیحیت به اسلام؛

**مؤلفه اول:** «ناسازگاری» در گرایش‌های پیشین و «دریافت» نگرش‌های نو نسبت به دین جدید؛

**مؤلفه دوم:** «خلأهای شناختی» و نبود پاسخ‌های قانع‌کننده در دین پیشین؛

**مؤلفه سوم:** وجود «آموزه‌ها» و کاریزماهای قانع‌کننده و امیدبخش در دین جدید؛

بنا به روایت‌های نوکیشان، وجود «زمینه‌ها» و «تعامل‌ها» و «بحران‌های» ناشی از خلأهای شناختی و اعتقادی در عرصه دینداری چیزی است که زمینه تغییر کیش از مسیحیت به اسلام را فراهم کرده است. نوعی «تردید» و «گسست معرفتی» نسبت به آموزه‌های مسیحی و وجود نمادها، شعارها، گزاره‌ها و آموزه‌هایی که در این سوی، به عنوان یک «دیگری مهم» کنشگر دیندار را به سوی خود جذب می‌کند.

### ۱۱. تحلیل «شرایط علی» در پروسه نوکیشی

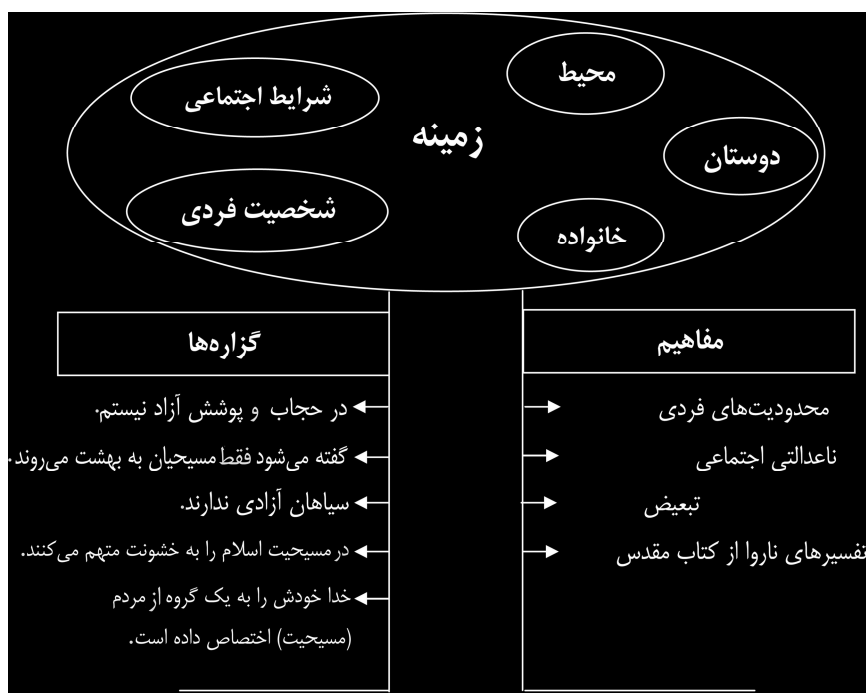
علت یا شرایط علی در رویکرد نظریه بازکاوی بیانگر علت یا شرایطی است که در آن عواملی سبب به وجود آمدن پدیده نوکیشی می‌شود. در اینجا نوکیشی، رویدادی است که به واسطه کنش و واکنش‌ها صورت می‌گیرد. مطابق نظریه لویس رامبو، این نقطه شروع با عنوان زمینه به عنوان «محیط» و «عوامل زمینه‌ای» از جمله شرایط اجتماعی، خانواده و دوستان و حتی برنامه‌های روزانه و شخصیت فردی بررسی می‌شود. همه این عوامل می‌تواند تجربه‌های فردی را تحت تأثیر قرار دهد.

در نگاه اول، الگوهای رفتاری و اعتقادی مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که نوعی «ناسازگاری عقلانی» در باورهای مسیحی، آنها را به سوی یک «نظام عقلانی فراگیر» و با برنامه در همه حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی کشانده است. طی واکاوی ادبیات نظری، مفهوم «ناسازگاری عقلانی»، بیان عقلانی سه اقلوم یا تثلیث مسیحی در بُعد کلامی و اعتقادی است که نوکیشان نمی‌توانند درک درست و روشنی از متن کتاب مقدس مسیحی به دست آورند. آنها بیان می‌کنند که این سازگاری عقلانی را در بُعد اعتقادی در آیات قرآنی و مجموعه زندگی مسلمانان دریافته‌اند. آنها (پروtestان، ارتدوکس و کاتولیک) بیان کرده‌اند که «کشیشان و اسقف‌ها نتوانسته‌اند به پرسش‌های آنها پاسخ

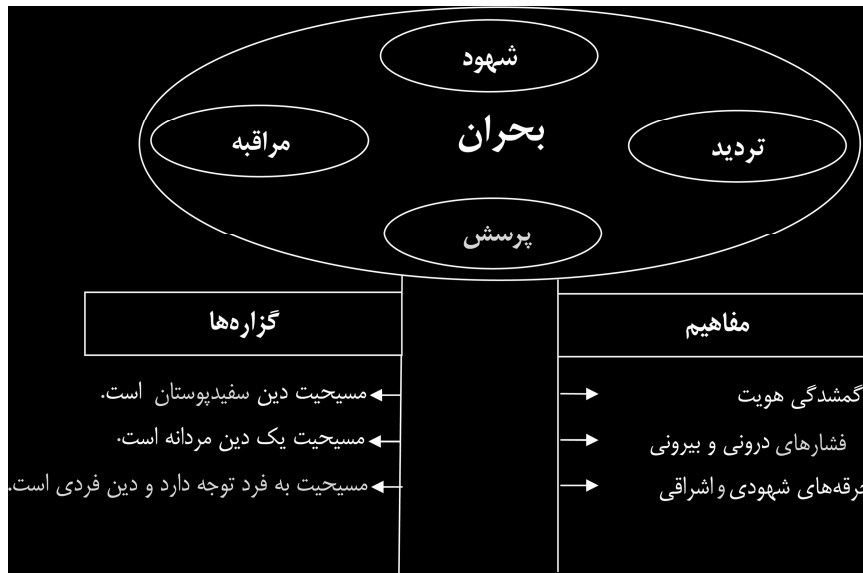
دهند» یا اینکه «مجموعه آیات کتاب مقدس نتوانسته است یک سازگاری منطقی و عقلی را برای ما فراهم کند».

منابع زمینه‌ای یا منابع علی که به عنوان دلایل روی‌آوری به اسلام توسط مصاحبه‌شوندگان بیان شده، دربردارنده «محدودیت‌های فردی»، «ناعدالتی اجتماعی» و «تبعیض» است.

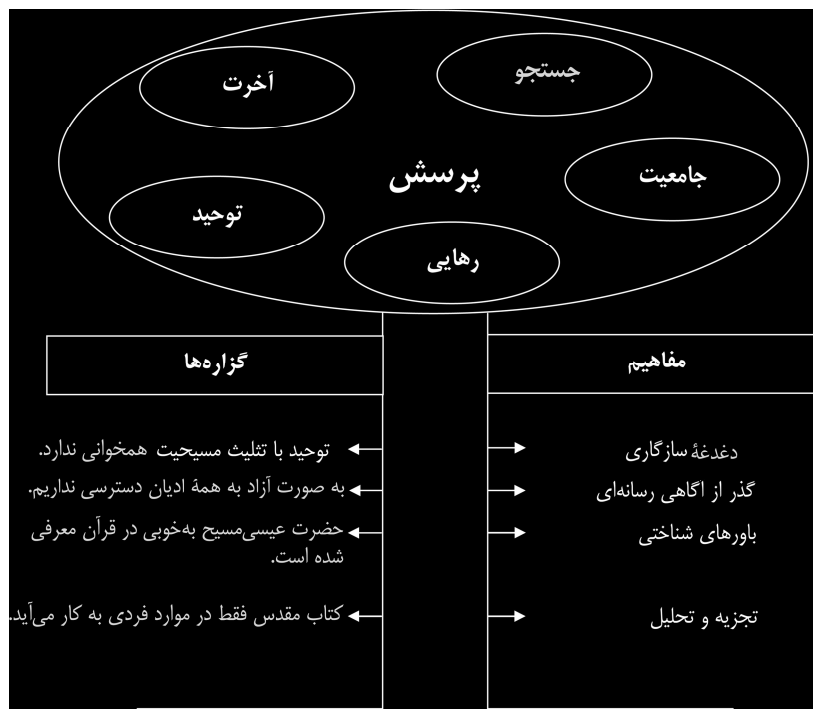
نوکیشان تازه‌مسلمان بیان کرده‌اند که هرچند از عواقب «طردشدگی» و «قهر» و گناه محرومیت هم‌کیشان، از جمله خانواده و دوستان آگاهی داشته‌اند، با این حال پیامدهای آن را پذیرفته‌اند و «لذت» و «آرامش» این اعتقاد تغییر یافته را به جان و دل پذیرفته‌اند. آنان به عنوان کنشگرانی تصمیم‌گیرنده و انتخاب‌گران فعال دست به چنین کاری می‌زنند، هرچند باعث از دست دادن کار یا سفر به کشور دیگری شود.



شکل ۴-۳: نمودار مربوط به زمینه



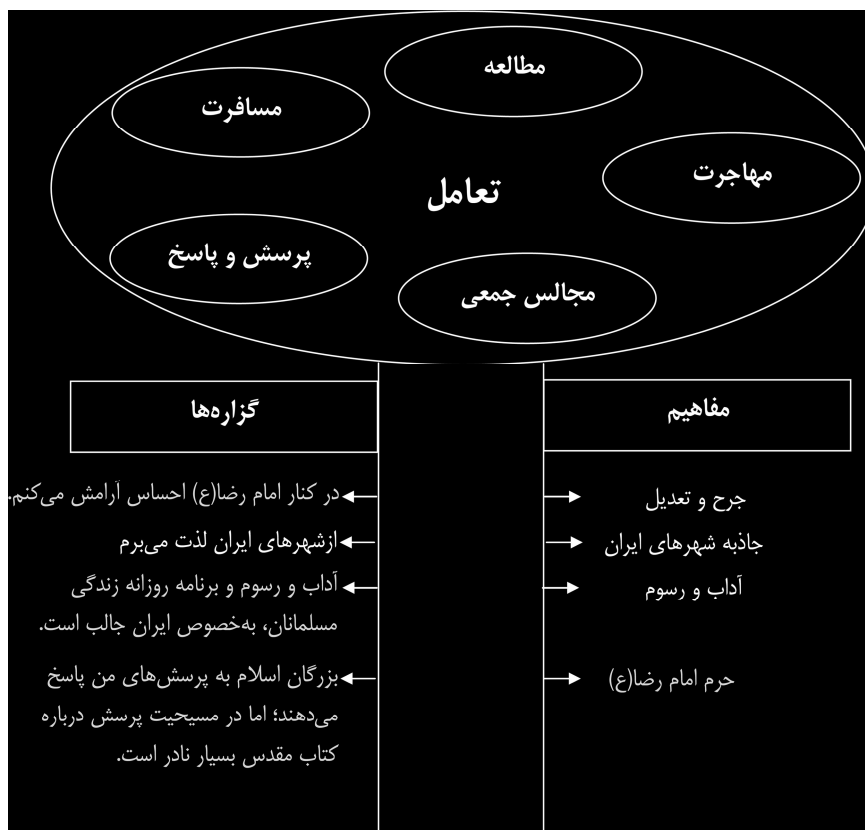
شکل ۴-۴: نمودار مربوط به بحران



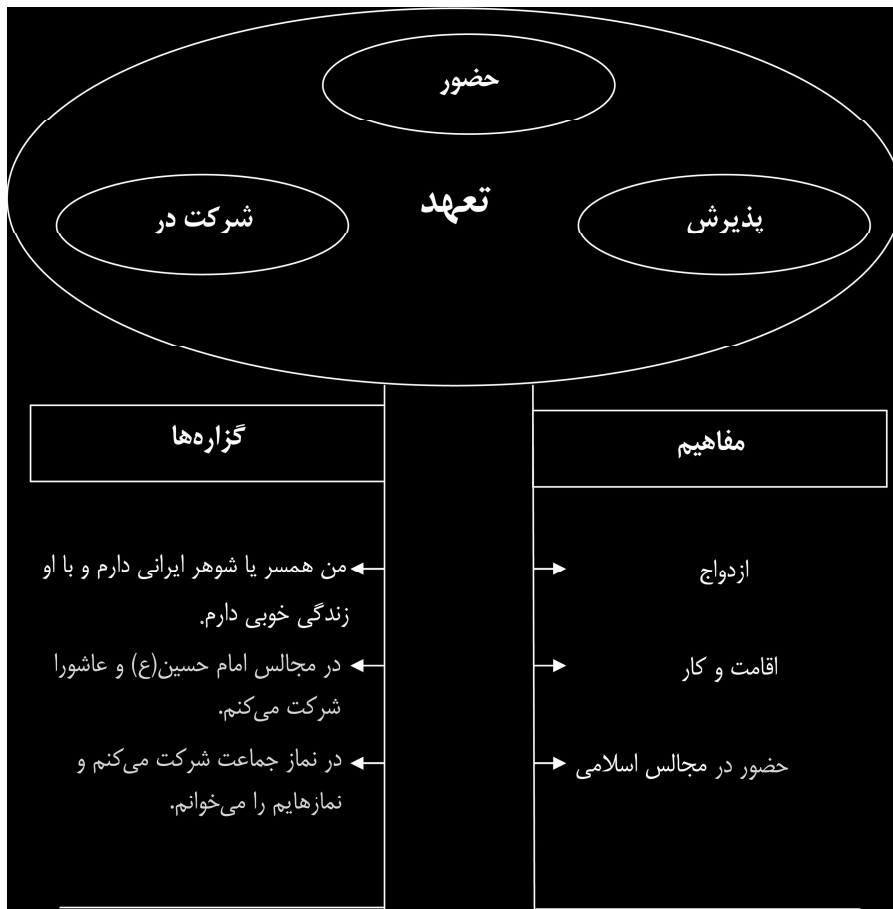
شکل ۴-۵: نمودار مربوط به پرسش



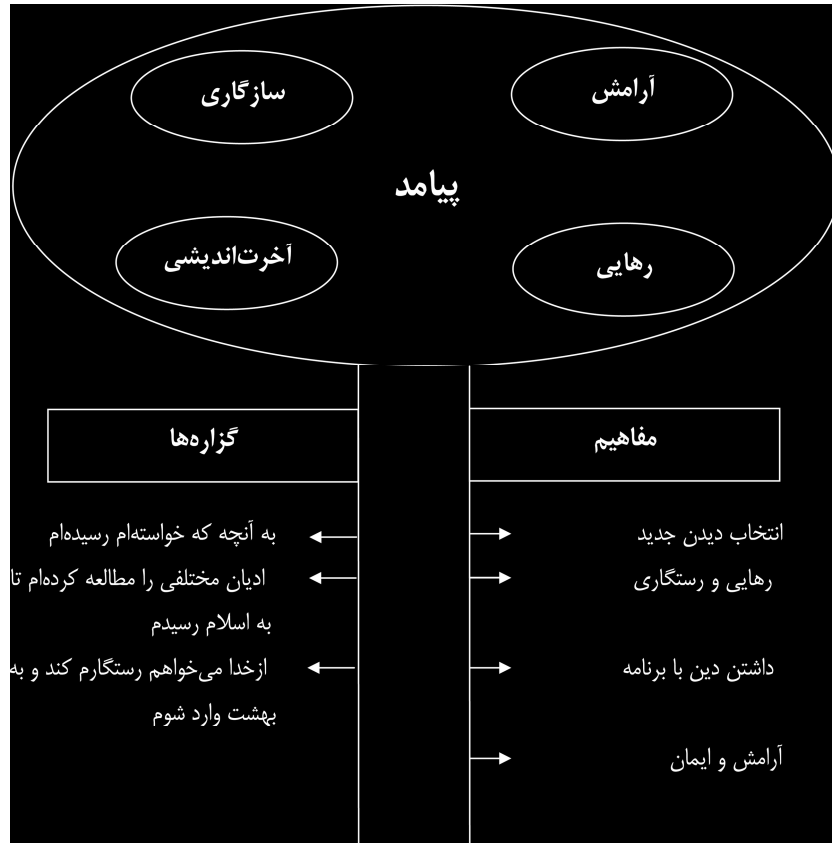
شکل ۴-۶: نمودار مربوط به مواجهه



شکل ۴-۷: نمودار مربوط به تعامل



شکل ۴-۸: نمودار مربوط به تعهد



شکل ۴-۹: نمودار مربوط به پیامد

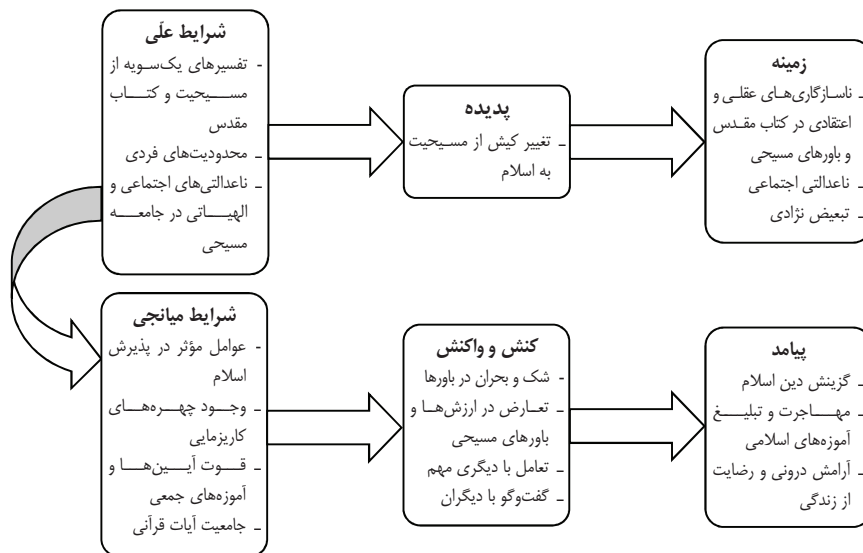
در بخش مبانی نظری تحقیق، به نظریه اسکات مک‌نای<sup>۱</sup> به عنوان رویکردی روان‌شناسانه به تغییر کیش اشاره کردیم. گفته شد که برخی از نوکیشان در پی «تعمیق» و «تقویت» ایمان دینی خود در یک دگرگونی تدریجی هستند. در این مدل، تغییر دین به شدت و ضعف یا پیوستگی و انتقال تقسیم‌بندی می‌شود. گزاره‌هایی که برخی از نوکیشان مسلمان به کاربرده‌اند، بیانگر نوکیشی افزایشی<sup>۲</sup> از نوع پیوستگی<sup>۳</sup> است.

بنابراین، می‌توان گفت که این نوع تغییر کیش، تغییر کیش حاد و بنیادی نیست؛ بلکه تغییری ناشی از تغییر معطوف به رشد در مراحل ایمانی، استفاده از آموزه‌ها و نمادهای

1. Scot Macnighi  
2. intensification  
3. affiliation



دینی دیگری است. گویی فرد از یک مرحله ایمانی به مرحله‌ای دیگر گذر می‌کند که کمتر با جنبه‌های ظاهری و شعاعی عامه مردم رایج است.



شکل ۴-۱۱: مدل پارادایمی تغییر کیش از مسیحیت به اسلام

## ۱۲. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

این تحقیق در جستجوی عوامل و زمینه‌های اجتماعی تغییر کیش از مسیحیت به اسلام، در چارچوب مدل فرایندی هفت‌گانه و در مصاحبه با سی نفر از نوکیشان مسلمان بررسی و تبیین شد. پرسش اصلی این بود که چه عوامل و زمینه‌هایی باعث تغییر کیش از مسیحیت به اسلام می‌شود؟ مطابق پرسش‌های فرعی‌تر در این تحقیق، علت اصلی را باید برآورده نشدن انتظارات نوکیشان در تطبیق پرسش‌هایشان با کتاب مقدس مسیحی و تفسیرهای کشیشان از یک طرف و وجود یک «آلترناتیو» یا «دیگری مهم» که می‌تواند انتظارات و پرسش‌های آنها را در صحنه عمل و نظر برآورده کند، ارزیابی و تحلیل کرد. به منظور شناسایی ریشه‌ای‌تر مسئله تحقیق، این انتظارات در تطبیق رویکرد نظری در چارچوب نظریه «انتخاب عقلانی» و «تصمیم‌گیری» که در نظریه ماکس وبر باز تعریف می‌شود و همین‌طور پارادایم فرایندی هفت‌گانه لوئیس رامبو قابل تطبیق و تبیین است.

در این تحقیق مبتنی بر روش و رویکرد نظریه بازکاوی، از تکنیک مصاحبه استفاده شد. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که زمینه‌های تغییر کیش از مسیحیت به اسلام، مبتنی بر یک الگوی هفت مرحله‌ای است که مؤلفه‌های آن عبارت است از:

۱. نوکیشان مسلمان در مرحله «زمینه»، از مواردی مثل شرایط اجتماعی، شخصیت فردی خود، خانواده، دوستان و محیط اجتماعی سخن گفته‌اند. محورهای تفکیکی این مرحله، ناعدالتی اجتماعی، محدودیت‌های فردی و تفسیرهای ناکافی و نارسا از کتاب مقدس است. گزاره‌های مطرح شده در این مرحله عبارت است از اینکه در مسیحیت، اسلام به خشونت متهم شده است و عدالت نسبت به سیاهان اعمال نمی‌شود و زنان نسبت به پوشش خود آزادی ندارند.
۲. نوکیشان در مرحله «بحران» دچار تردید، پرسش و مراقبه و گاه شهود می‌شوند که نتیجه‌شناختی آن به صورت بحران هویت، فشارهای درونی و گاه جرقه‌های شهودی از راه خواب و رؤیا است. آنان بیان می‌کنند که آموزه‌های مسیحی بیانگر دین فردی است و در بنیان خود کاملاً مردانه است.
۳. نوکیشان در مرحله پرسش با دغدغه «جستجوگری» آغاز کرده‌اند. آنان در این مرحله، نگران سازگاری کتاب مقدس و آموزه‌های مسیحی با آنچه بوده‌اند که خود نظام عقلانی و رستگاری نامیده‌اند. آنان از مفاهیمی، مانند: جامعیت، رهایی، توحید، آخرت‌اندیشی و یکتاپرستی سخن گفته‌اند. آنان می‌گویند که توحید با تثلیث مسیحی سازگار نیست و بیان کرده‌اند که عیسی مسیح به‌خوبی در قرآن معرفی و توصیف شده است.
۴. نوکیشان در مقوله «مواجهه» با «نشانه‌ها» و «دیگران مهم» برخورد کرده‌اند و اینها نیز زمینه دگرگونی آنان را فراهم کرده است. گاهی این دیگران مهم، شخصیت کاریزمایی و زمانی آموزه‌ها و آیین جمعی و گاهی آیات قرآنی و زمانی نوکیشان دیگری بوده است. آنان بیان کرده‌اند که امام خمینی بدون ابزار جنگی، انقلاب بزرگی ایجاد کرد و آیات قرآن به همه امور زندگی اشاره می‌کند.
۵. نوکیشان در موضوع «تعامل» به جرح و تعدیل، مطالعه، مسافرت و پرسش و پاسخ‌های طولانی روی آورده‌اند. در این تعامل‌ها به جاذبه‌های توریستی و شهری و آداب و رسوم اماکن زیارتی و معنوی برخورد کرده‌اند. آنان بیان کرده‌اند که بزرگان و مبلغان اسلامی به پرسش‌هایشان درباره کتاب مقدس پاسخ داده‌اند و آداب و

رسوم و برنامه روزانه زندگی مسلمانان، به‌خصوص ایران برای آنها جالب بوده است یا گفته‌اند در کنار حرم امام رضا(ع) احساس آرامش می‌کنند.

۶. نوکیشان مسلمان درباره «تعهد» و مقوله‌های وابسته به آن، مثل حضور و تعهد به اموری همانند شرکت در مجالس اسلامی یا ازدواج، اشاره و بیان کرده‌اند که در مجالس امام حسین(ع) و عاشورا و نماز جماعت شرکت می‌کنند و گاهی برای عمیق‌تر کردن ایمان با همسر یا شوهر ایرانی ازدواج کرده‌اند.

۷. نوکیشان مسلمان در آخرین مرحله، یعنی «پیامد» از اموری مثل سازگاری، آخرت‌اندیشی، رهایی، آرامش و رهایی سخن گفته‌اند. در این مرحله، به‌طور رسمی دین جدید انتخاب کرده‌اند و برنامه جدیدی همراه با آرامش و ایمان برگزیده‌اند. آنان بیان کرده‌اند که به آنچه خواسته‌اند، رسیده‌اند و برای این کار ادیان مختلفی را مطالعه کرده‌اند و درنهایت گفته‌اند به آرامش دست یافته‌ام.

این تحقیق بدون مشکل و زحمت سامان نیافته است، به‌ویژه در آنجایی که با دین و باورهای اعتقادی و به صورت خاص، با تغییر دین و شرح حال و بیوگرافی خانوادگی سروکار داشته باشد. دینداران به‌ندرت حاضر به پرسش و پاسخ می‌شوند و نمی‌خواهند که امور خصوصی و دینی‌شان مورد کنکاش قرار گیرد. برخی از مصاحبه‌شوندگان، هرچند با تمام وجود دین جدید را انتخاب کرده‌اند؛ اما نسبت به واکنش فرهنگی دین آبا و اجدادی خود حساس و گاه دچار ترس و اضطراب بودند.

گرچه در این تحقیق، به دلیل شیوه خاص، از روش «گلوله برفی» در پیدا کردن نوکیشان استفاده شد، اما برخی از آنها ترجیح داده‌اند که به دور از فضای عمومی و انظار رسانه‌ای و مطبوعات زندگی کنند. به همین دلیل، به‌سختی حاضر به مصاحبه و گفتگو شدند. این تحقیق، گاه روزها و ساعت‌ها منتظر می‌ماند تا با نوکیش تماس بگیرد و ضمن تنظیم برنامه کاری و زندگی روزانه، یک یا دو ساعت از وقتش را به ما بدهد. برخی از آنها نمی‌توانستند به فارسی سخن بگویند و بعد از ضبط و پیاده کردن متن انگلیسی آنها را به فارسی برمی‌گرداندیم. روند تحقیق پیشنهادهای جدیدی را روی موضوع‌های از دست می‌گشاید، از جمله:

#### ۱-۱۲. بسط حوزه‌های خرد در جامعه‌شناسی دین

یافته‌های پژوهشی این گمان را تقویت می‌کند که حوزه‌های گوناگونی در عرصه‌های جامعه‌شناسی دین بر زمین مانده است. هرچند این تحقیق در میان تغییر گرایش‌ها در

عرصه دینداری، فقط از تغییر پارادایمی مسیحی به اسلام انجام شده است؛ اما در حوزه‌های سایر ادیان، مثل بودیسم، مسیحیت، یا ادیان جدید قابل پیگیری و تحقیق است. به دلایل گوناگون و شاید مهم‌ترین آن، مسئله جهانی شدن و شاید کوچک‌تر شدن جهان و توسعه شبکه‌های جهانی، ادیان به همدیگر نزدیک‌تر و نزدیک‌تر می‌شوند؛ به طوری که «مطالعه ادیان تطبیقی» به مسئله‌ای جدی برای دینداران تبدیل می‌شود. کتاب‌های مقدس ادیان در کنار هم مطالعه، تجزیه و تحلیل می‌شوند و همین‌ها می‌توانند بالقوه زمینه نزدیکی و تلطیف گرایش‌ها را فراهم کنند.

از این‌رو، دانشگاه‌های ما می‌توانند زمینه گسترش طرح‌های مطالعاتی و تحقیقاتی را در زمینه‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌ای (کارشناسی ارشد و دکترا) در حوزه‌های تطبیقی و مقایسه‌ای ایجاد کنند. این کار می‌تواند باعث نظریه‌پردازی در حوزه خردتر جامعه‌شناسی دین در کشور شود.

## ۲-۱۲. انجمن‌های علمی نوکیشان مسلمان

یافته‌های پژوهشی بیانگر آن است که هرچند نوکیشان یک فرایندی را طی کرده‌اند؛ اما بعد از جذب به دین اسلام، آماری از پراکندگی و چگونگی کار و اشتغال و آنان در دست نیست. انجمن‌ها و نهادهای مستقل می‌توانند فارغ از جنبه‌های ایدئولوژیکی خود، زمینه مطالعه و حمایت علمی خود را از نوکیشان اعلام کنند.

## منابع

- استراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۵)، اصول روش تحقیق کیفی، ترجمه بیوک محمدی، چ ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۷)، روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، ج ۲، تهران: دوران.
- جمیلی، فاطمه (۱۳۸۲)، آمبی والانس جامعه‌شناختی، وابستگی متقابل فرد و گروه و اجتناب از توصیه‌های بهداشتی، رساله دکترا، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- فرانکفورد، چاوا و دیویس نجمیاس (۱۳۸۱)، روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضلی، تهران: سروش.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۰)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: [بی‌نا].
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی آنتونی گیدنز، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- Klimkeit, Hans J., "Muller, F. Max", *Encyclopedia of Religion*, vol.10, pp.153-154.
- Lofland (1978), "Becoming a World-Saver Revisited", *Conversion Careers*, J. T. Richardson (ed.) (1990) (Beverly Hills.: Calif: Sage), pp.1-23.
- McGurie, Meridith (1981), *Religion The Social Context*, 4.e uppl. Belmont CA mfl: Wadsworth Publishing Company.
- Nieuwkerk, Karin Van (2006), "Gender, Conversion and Islam: A Comparison of Online and Offline Conversion Narratives", *Women Embracing Islam, Gender and Conversion in the West*, Karin Van Nieuwkerk (ed.), Austin: University of Texas Press.
- McKnight, Scot (2002), *Turning to Jesus: The Sociology of Conversion in the Gospels*, Westminster John Knox Press, 1 Edition (January 1, 2002).
- Mills, C. Wright (1959), *The Sociological Imagination*, Oxford: Oxford University Press.

- 
- Rambo, Lewis (1993), *Understanding Religious Conversion*, New Haven, London: Yale University Press.
- Shiner, L. (1966), "The Concept of Secularization in Empirical Research", *Journal for the Scientific Study of Religion* 6, pp.20-207.